روایت روز

خروج از غبار؟

اخبار تازه ماجرای شهادت یا اسارت احمد متوسلیان و ۳ همراهش را دوباره زنده کرده است

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

حاج احمد متوسلیان یکی از دراماتیک‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ماست. نه جزو قهرمانان ۸سال جنگ بود که به دلیل زنده و در پیش چشم بودن قدر نبیند و گم‌نام بماند یا به مقامی برسد و بر صدر بنشیند، نه قطعیتی درباره شهادت او وجود داشت که بزرگ‌راه و خیابانی به نامش شود. او شخصیتی عجیب با قصه‌ای مرموز و سرانجامی نامشخص بود که سال‌ها یکی از معماهای حل‌نشده تاریخ معاصر ایران باقی ماند. همین دراماتیک بودن باعث شد که یکی از بهترین فیلم‌های حوزه دفاع مقدس براساس شرح زندگی او ساخته شود و «ایستاده در غبار» را همه با هر نوع ذائقه‌ای روی پرده سینما ببینیم؛ فیلمی که بعد از سال‌ها مجددا نام و یاد او را زنده کرد و امیدی در دل خیلی‌ها برای پیگیری بازگشتش به وجود آورد و موجب رقم خوردن تلاش‌هایی برای پیدا شدنش شد. دیروز عصر هم وزارت خارجه به مناسبت سالگرد گرامی‌داشت او و ۳ همراهش، در غالب بیانیه‌ای اعلام کرد که حاج احمد و ۳ دیپلمات دیگر در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. اما خبری که از دیروز در رسانه‌ها پخش شد، شبیه پایانی بر یک قصه بلند بود. پایانی بر رؤیای دیدن یک قهرمان در ایران.

آغاز ماجرا

حاج احمد متوسلیان، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌ا...، در زمان جنگ ایران و رژیم بعث عراق بود. او یکی از مهم‌ترین افراد در آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ بود که پیش از حضورش در جبهه جنوب از شخصیت‌های اثرگذار در جبهه غرب و کردستان و از محبوب‌ترین فرمانده‌های سپاه در زمان جنگ به حساب می‌آمد. ۳۸ سال پیش، بعد از آزادسازی خرمشهر، وقتی که عده‌ای از نیروهای ایرانی برای کمک به نیروهای حزب‌ا... و رویارویی با اسرائیل در جنوب لبنان به سوریه اعزام شده بودند، این خبر به امام خمینی(ره) می‌رسد و با دستور ایشان نیروها به کشور بازمی‌گردند؛ احمد متوسلیان، فرمانده این نیروها، بعد از بازگشت افرادش با ۳ نفر دیگر، سید محسن موسوی (کاردار سفارت ایران در لبنان)، تقی رستگارمقدم (هم‌رزم متوسلیان) و کاظم اخوان (عکاس و خبرنگار مشهدی ایرنا) برای بازدید و سرکشی به بعضی نقاط در لبنان و بررسی شرایط به بیروت می‌روند و پس از آن دیگر خبری از این ۴ نفر به دست نمی‌آید. خبری که تأییدشده و مشخص است، ربوده شدن اتومبیل سفارت ایران توسط فالانژیست‌هاست(یکی از حزب‌های دست راستی تندرو در لبنان) و بعد ربوده شدن توسط نیروهای اسرائیل. از اینجا به بعد اما خبرهایی که از متوسلیان و همراهانش در دست است اخبار ضد و نقیضی است. بعضی‌ها می‌گویند این ۴تن بلافاصله در همان نقطه که بازداشت شده‌اند تیرباران شده و به شهادت رسیده‌اند.

به روایت برادر

خبرها می‌گویند متوسلیان و تیم همراهش توسط نیروهای حزب فالانژهای لبنانی که یکی از تندروترین احزاب عرب به شمار می‌روند، ربوده شده‌اند. برادر شهید متوسلیان در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان گفته است که خیلی از شنیدن این اخبار دل خوشی ندارد: «ماجرای به شهادت رسیدن یا نرسیدن حاج احمد یک قصه ۳۸ساله است و این صحبت‌ها برای امروز و دیروز نیست. در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیر اخبار جعلی درباره حاج‌احمد پخش می‌شود و ۱۵تیر به بعد هم دیگر هیچ خبری نمی‌شنویم.» امیر متوسلیان می‌گوید ۲سال پیش از موضوع تیرباران برادرش مطلع شده حتی طریق عیسی ایوبی، ژورنالیست فرانسوی‌لبنانی ۲سال پیش خبر داده است که با حاج‌احمد بوده و تأیید کرده است که آن‌ها تیرباران شده‌اند.» با همه این اخبار خانواده شهید متوسلیان هنوز مطمئن نیستند که شهادت حاج احمد قطعی است.

بعضی با این نظر مخالف‌اند و از اسارت آن‌ها در زندان رژیم صهیونیستی و سپس شهادتشان پس از مدتی می‌گویند و بعضی‌ها هم از زنده‌بودن آنان تا همین سال‌ها و امکان بازگشتشان در صورت عزم راسخ مسئولان حرف می‌زدند. اما هیچ‌کدام از این اخبار و هیچ‌کدام از این منابع تضمین صددرصد یا خبر قطعی نداشتند و همه‌چیز گمانه‌زنی‌هایی باب میل رسانه‌ها بود؛ پیگیری‌هایی از سوی افراد مختلف و خانواده این ۴ تن همواره در این سال‌ها انجام می‌شد که به ساخت مستندهای زیاد و فیلم سینمایی تحسین شده «ایستاده در غبار» رسید، اما همیشه هاله‌ای از ابهام درباره ماجرای حاج احمد متوسلیان و همراهانش وجود داشت که انگار با خبرهای جدید دیگر برطرف شده است و ماجرای متوسلیان از قصه‌ای با پایان باز به داستانی با پایانی غم‌انگیز و افتخارآفرین تبدیل شده است.

ایستگاه پایانی؟

بعد از سال‌ها گمانه‌زنی و امید به بازگشت حاج احمد و همراهانش، احسان محمد حسنی، مسئول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، با انتشار یادداشتی درباره حاج احمد نوشته است: «و حالا پس از ۳۸ سال از واقعه تلخ ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی، به جای تجسم و تصور و تخیل، خبر آورده‌اند که فاتح راستین خونین شهر، حاج احمد متوسلیان، و ۳ هم‌رزم او، «سیدمحسن موسوی»، «تقی رستگارمقدم» و «کاظم اخوان»، پس از ربوده شدن و سپری کردن ایام کوتاهی در اسارت نیروهای مزدور شبه نظامی فالانژ وابسته به رژیم صهیونیستی، در ساحل مدیترانه تیرباران شده‌اند و محل دفن ایشان هم مشخص است.

این خبر یا واقعیت دارد، یا صرفا یک ادعاست. هرچه که هست سال‌های سال، اساتید، محققان، مستندسازان، نویسندگان و پژوهشگران توانا و بنام وادیِ ادبیات پایداریِ این دیار، بر مبنای اسناد و شواهد و قرائنِ متقن و شهادتِ شاهدان زنده و حاضر در اسارتگاه و محلِ تیرباران و دفنِ این ۴ ایرانیِ مظلوم، گواهی می‌دهند که حاج احمد متوسلیان و همراهان غریبش به‌طرز وحشیانه‌ای به شهادت رسیده‌اند و پیکر نیمه‌جانشان نیز در نقطه‌ای مشخص در زیر خرواری از خاک و بُتن قرار گرفته است و تا امروز مدفون مانده‌اند.»

حالا و در روزهای نزدیک به سالگرد ربوده شدن این ۴ ایرانی عزیز، احتمال بازگشتشان به ایران بسیار بیشتر از همیشه است؛ بازگشتی که به افتتاحیه شکوهمند یک فیلم درخشان می‌ماند؛ مخصوصا برای ما اهالی مشهد که یک پاره از این چهارپاره، یعنی شهید کاظم اخوان، از آنِ شهر و دیار ماست.

Tweets

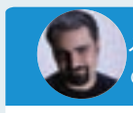

ابراهیم حیدری | روزنامه‌نگار
@Ebrahimheidari

مرگ مرموز ۲۷۵ فیل در دلتای اوکاوانگو، بوتسوانا.

محمود مقدسی | مترجم
@mahmoudmgh

گفت: چیزی نیست. با مردن همه این حسا تموم می‌شن.
گفتم: خود آدمم تموم می‌شه.
گفت: مگه بده؟
گفتم: نه. گفت: برای همینه که مرگ یه جور تسکینه. اینو همه می‌دونن، حتی اونایی که ازش می‌ترسن.

زهرا عرب | خبرنگار
@zahraarab5

پابرجا و پرغرور چون دماوند
#روز_ملی_دماوند

جوادنیکی ملکی | فعال توئیتری
@jnikimaleki

-شاید از پرواز جامونده باشه. -شاید پریده توی آب و تا یه جزیره ناشناخته شنا کرده و الان منتظر یه قایقه تا برگرده. -شاید تو آب افتاده و مردم ساحل‌نشین نجاتش دادن اما حافظه‌شو از دست داده و یه روز به‌دست می‌آره و برمی‌گرده؛ پس باید برای اون روز آماده باشیم.
خیالات خام یه بچه خردسال. #IR۶۵۵

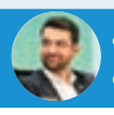

محمدجواد آذری جهرمی | وزیر ارتباطات
@azarijahromi

کتاب مرحوم نادر ابراهیمی درباره ملاصدرا رو برای سینا هدیه گرفتیم. چند ساعت بعد اومده می‌گه:
-بابا، ملاصدرا الگوی خوبیه؟
+مرد بزرگی بوده، چطور مگه؟
-آخه پدرش خواجه ابراهیم از دستش دق کرد و مرد.

گزارش ویژه

تغییر گذران وقت در عصر کرونا

به‌طور متوسط، هر ایرانی ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه در روز به «اشتغال و فعالیت‌های مرتبط برای مزد» اختصاص می‌دهد. علت کم بودن این زمان، به این دلیل است که بخش زیادی از افراد در سن کار نیستند و بخش دیگری هم خانه‌دار هستند. در واقع باید دقت کرد که این عدد، میانگین ساعت کار شاغلان ایرانی نیست، بلکه میانگین مدت زمان کار برای هر ایرانی است. زمان ساعت کار ایرانی‌ها در پاییز نسبت به زمستان ۹دقیقه در روز بیشتر بود. طبق این آمار متوسط زمان روزانه‌ای که به اشتغال و فعالیت‌های مرتبط با مزد اختصاص داده شده برای مردان ۴ ساعت و ۴۶ دقیقه و برای زنان ۳۶ دقیقه بوده است. درواقع این اختلاف به نوعی نسبت مردان و زنان شاغل و مزدبگیر را نشان می‌دهد. متوسط زمان اشتغال و فعالیت مربوط به مزد در میان افراد باسواد ۲ ساعت و ۵۴دقیقه و در میان افراد بی‌سواد ۴۷ دقیقه بوده است. بر اساس داده‌های تفکیک شده بر حسب وضعیت تأهل نیز متوسط زمان روزانه اشتغال در افراد دارای همسر ۲ ساعت و ۵۱ دقیقه، و در افرادی که از همسر خود جدا شده‌اند ۲ ساعت و ۵۹ دقیقه و در افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند ۲ ساعت و ۴۳ دقیقه بوده است.

برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه دنیای اقتصاد، بار کد را اسکن کنید.

مشکلات زنان و دختران در روستاهای بم

مادرم را می‌خواهم شوهر نمی‌خواهم

«مو نمی‌خوام عروس بشم، مو فقط می‌خوام درس بخونم.» دخترک در یکی از روستاهای نزدیک به شهر بم زندگی می‌کند. ۱۲ ساله است. با همان لهجه غلیظش برایم می‌گوید که چقدر عاشق مدرسه است و چقدر از ازدواج زودهنگام گریزان. چند روزی از خودکشی‌اش با متادون می‌گذرد. مادر دختر می‌گوید اگر به بیمارستان نرسیده بود، کارش تمام بود. می‌گوید دیگر هیچ راهی برای اینکه جلوی عموهایش بایستد برایش نمانده بود.

مسئولان محلی و فعالان حوزه زنان در استان کرمان تلاش می‌کنند تا داستان خشونت مرگبار دیگری ثبت نشود. می‌گویند اگر به داد دختر نرسیم، ممکن است خبر تلخ دیگری در روزنامه‌ها منتشر شود، مگر نه اینکه آن دخترها هم همین‌قدر بی‌پناه بودند. پدر دختر ۹ سالی است فوت کرده است و حالا عموهای دختر خودشان را سرپرست قانونی‌اش می‌دانند. می‌گویند در منطقه‌شان رسم نیست از دختر نظرش را درباره ازدواج بپرسند. به قول معروف خودشان می‌برند و می‌دوزند. همین چند روز قبل تا سر حد مرگ کتکش زدند که راضی به ازدواج شود: «به زور می‌گویند باید عروس بشی. خواستگارم چوپانه عین شوهر خواهرم. هرشغلی هم که داشت، دوست نداشتم عروس بشم. مدرسه را دوست دارم.» عاشق ریاضی است و با اینکه فاصله مدرسه تا روستایشان زیاد است با راه و مسافت زیاد مشکلی ندارد. تصویر دخترک با آن لباس صورتی روی تخت بیمارستان یادم می‌آید. می‌پرسم چرا این کار را کردی؟ با خجالت زیاد می‌گوید: «مو نمی‌خوام عروس بشم، همین.»

با اسکن بار کد می‌توانید ادامه این گزارش را از روزنامه ایران بخوانید.

معرفی فیلم

فیلم «کوهستانی میان ما» به کارگردانی هانی ابواسعد در سال ۲۰۱۷ ساخته شده است. این فیلم محصول کشور آمریکا و در ژانر اکشن و ماجراجویی است که ادریس آلبا و کیت وینسلت در آن بازی کرده‌اند. داستان فیلم درباره یک زن و مرد غریبه است که بعد از سقوط هواپیما در کوهستانی پر از برف اسیر می‌شوند.
۱ساعت و ۴۰دقیقه
IMDB: ۶/۴ | ۱۰

با اسکن این بارکد می‌توانید این فیلم را از فیلیمو تماشا کنید

معرفی کتاب

کتاب «مراسم قطع دست در اسپوکن» یکی از آخرین نمایشنامه‌های مک دوناست که سال ۲۰۱۰ در امریکا به روی صحنه رفت. روایتی خون‌سردانه از دروغ و قساوت و شوخ‌طبعی قهرمانش، قهرمانی که از کل دنیا یک چیز می‌خواهد: دستش را که در نوجوانی قطع شده است، و برای پس گرفتن این دست حاضر است هر کاری بکند.

نوشته مارتین مک دونا
ترجمه بهرنگ رجبی
نشر بیدگل
۱۱۲ صفحه
قیمت ۱۴هزار تومان

باهم بشنویم

بی‌قرار

خواننده احسان خواجه امیری

آهنگ‌ساز مجتبی مصری

ترانه‌سرا زهرا عاملی

یک ذهن زیبا

علیرضا وفایی نیا
a.vafaeenia@shahraranews.ir

حاشیه‌نگاری

وحید رجبلو با ۹۸ درصد معلولیت جسمی، به عنوان یکی از ۱۰ جوان ممتاز دنیا برگزیده شد

خواندن داستان زندگی وحید رجبلو، کارآفرین معلول کشورمان، بیشتر به فیلم‌های هالیوودی می‌ماند، همان‌قدر شگفت‌انگیز و باورنکردنی. در کودکی پزشکان تشخیص دادند که دچار آتروفی عضلانی نخاعی است، بیماری‌ای که روزبه‌روز جسم او را تحلیل می‌برد و گوشه اتاقش را تبدیل به تمام دنیای او کرده بود. سهمش از مدرسه و آموزش عمومی هم تقریبا صفر بود و هیچ مدرسه و آموزشگاهی در آن سال‌ها او را نپذیرفت. اما شور زندگی در دل وحید چنان زنده بود که حتی ۹۸درصد معلولیت جسمی هم نتوانست مانعی برای رسیدن به آرزوهایش باشد. معلولیت و تمام مشکلاتی که با آن‌ها روبه‌رو بود انگیزه‌ای شد برای وحید تا به دنبال راهکاری برای توانمندسازی افراد معلول باشد تا زندگی راحت‌تری داشته باشند. او با در نظر داشتن همین هدف استارت‌آپ «توانیتو» را راه‌اندازی کرد که روی ۳ حوزه کلیدی تمرکز دارد: سلامت و خدمات درمانی، خدمات آموزشی و سرویس‌های ضروری روزانه. درحال‌حاضر ۱۴ هزار نفر در ایران از پلتفرم توانیتو استفاده می‌کنند. وحید حضور فعالی نیز در جامعه دارد و رقابت‌هایی برای ویلچررانی برگزار می‌کند، در رویدادهایی نظیر تدکس سخنرانی می‌کند و طرح‌های جمع‌سپاری مختلف را برای فراهم کردن فناوری و توانمندسازی معلولان کلید می‌زند.

داستان شگفت‌انگیز زندگی این کارآفرین به همین‌جا ختم نشده و امروز نه تنها در کشور خودمان، که حتی در جهان هم تبدیل به چهره‌ای مطرح شده است.

سازمان غیرانتفاعی اتاق بین‌المللی جوانان هر سال تأثیرگذارترین جوانان دنیا را انتخاب می‌کند و امسال نام وحیدرجبلو، مدیرعامل استارت‌آپ توانیتو، نیز به عنوان اولین ایرانی، در فهرست ۱۰ جوان برگزیده دنیا در سال ۲۰۲۰ دیده می‌شود.

این سازمان هر سال ۱۰ مدیر جوان برتر را که کمتر از ۴۰ سال دارند از میان ۱۴۰ کشور دنیا انتخاب می‌کند. این جوانان نیز در واقع نمادی از مأموریت سازمان اتاق بین‌المللی جوانان هستند و در زمینه رشد فردی، کسب‌وکار، کارآفرینی و مشارکت‌های بین‌المللی به دستاوردهای شایان توجهی دست پیدا کرده‌اند.

امسال مجموعا ۷۷ هزار و ۲۰۶ نفر از سراسر دنیا برای انتخاب این ۱۰ نفر رأی دادند و در نهایت هیئت داوران از میان ۲۰ فینالیست برگزیده ۱۰ نفر نهایی را به دلیل خدمات استثنایی‌شان به جامعه، خلاقیت و تغییرات مثبتی که در کشورشان ایجاد کردند، انتخاب کردند و وحید رجبلو، جوان ایرانی، نیز یکی از آن‌ها بود.

این ۱۰ نفر قرار است طی جشنی که در کنگره جهانی اتاق بین‌المللی جوانان برگزار می‌شود جوایز خود را دریافت کنند.

البته به نظر می‌رسد قرار گرفتن در بین ۱۰ جوان برگزیده دنیا، هنوز نقطه اوج مسیر وحید نیست و او در حساب اینستاگرام خود از آینده روشن‌تر می‌گوید: «من بعد از تلاش و طی کردن مسیری بی‌نهایت سخت و نفس‌گیر امروز حتی با داشتن این مقام جهانی همچنان احساس می‌کنم اول راه هستم و همچنان با مقصد فاصله زیادی دارم. تا روزی که دنیای زیبایی برای افراد دارای معلولیت را به چشم شاهد نباشم احساس پیروزی و موفقیت ندارم.»